

جمهوری آذربایجان در جنگ دوم قراباغ: اهداف و پیامدهای ژئوپلیتیکی (با تأکید بر رویکردهای رسانه‌ای)

علی امیری^۱، احمد کاظمی^۲

چکیده

مناقشه قراباغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ به جنگ دوم قراباغ تبدیل شد. باکو در این جنگ توانست در قالب پروژه‌ای که ترکیه و رژیم صهیونیستی تدارک دیده بودند، به پیروزی هر چند ناقص ولی سریع برسد. این تحقیق درصدد است تا با استفاده از ادبیات نظری «ژئوپلیتیک تهاجمی»، ضمن مطالعه اهداف باکو در پروژه جنگ دوم قراباغ به پیامدهای ژئوپلیتیکی این جنگ و پیشنهادهای رسانه‌ای برای رسانه‌های برون‌مرزی ایران جهت تنویر افکار عمومی بپردازد. برای دستیابی به این اهداف، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان علاوه بر آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده خود در خارج از قراباغ به دنبال دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه ژئواستراتژیک همسو با علایق آنکارا و تل‌آویو بوده است. هر چند جمهوری آذربایجان به بخشی از اهداف خود رسید، اما بازی‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته پس از جنگ ۴۴ روزه همسو با اهداف ترکیه و رژیم صهیونیستی ادامه دارد. این موضوع دورنمای صلح پایدار در منطقه قفقاز را دچار ابهام می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: جنگ دوم قراباغ، جمهوری آذربایجان، جنگ، ژئوپلیتیک، رسانه برون‌مرزی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

^۱ استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول).

Amiri.ali@lu.ac.ir

^۲ دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران.

ahmadkazemi56@gmail.com



۱. مقدمه

مناقشه قراباغ یکی از بحران‌های ژئوپلیتیکی عمیق و جدی در اطراف ایران است که ریشه تاریخی آن به دوران اتحاد جماهیر شوروی باز می‌گردد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این بحران باعث جنگ بین دو کشور حوزه قفقاز جنوبی یعنی جمهوری آذربایجان و ارمنستان شد. جنگ اول قراباغ در فاصله ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۴ و جنگ دوم در سال ۲۰۲۰ از پیامدهای ژئوپلیتیکی فراوانی برخوردارند و باعث شدند دو نتیجه کاملاً متفاوت برای طرفین جنگ به وجود آید. اگر در جنگ نخست، ارمنستان بیشترین دستاوردهای ژئوپلیتیکی را به دست آورد، با شکست در جنگ دوم، مجبور به اعطای امتیازات به طرف مقابل شد.

جنگ دوم قراباغ که از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد و «جنگ چهل و چهار روزه» نیز نامیده می‌شود، در مقیاس سلاح‌های مورد استفاده و جنگ‌افزار و کشته شدن حداقل ۶۰۰۰ نفر از هر دو طرف بی‌سابقه بوده است. عوامل متعددی در بروز مجدد خصومت‌ها نقش داشتند، از جمله شکست مذاکرات صلح در گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا، عدم اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل در مورد خروج نیروهای ارمنی از سرزمین‌های اشغالی خارج از قراباغ، مشروعیت بخشیدن به دستاوردهای نظامی در روند مذاکرات به‌عنوان ابزار چانه‌زنی، دستیابی هر دو طرف به تسلیحات و افزایش بودجه نظامی، کاهش نقش آمریکا و نقش غیرفعال اتحادیه اروپا، افزایش فعالیت‌های ترکیه و بلندپروازی‌های روسیه به‌عنوان یک عامل مهم در منطقه (Alieva, 2021: 3).

هرچند طرفین، هر کدام طرف مقابل را آغاز کننده جنگ معرفی می‌کنند، اما قطعاً آنها درصدد دستیابی به اهدافی در این جنگ بوده‌اند. این موضوع به‌خصوص در مورد جمهوری آذربایجان که در جنگ اول قراباغ کاملاً بازنده بود، بیشتر صدق می‌کند. لذا، این پژوهش درصدد آن است تا اهداف جمهوری آذربایجان در این جنگ را تبیین نماید. همچنین پیامدهای ژئوپلیتیکی این جنگ برای باکو هدف دیگری است که مورد توجه قرار گرفته است. از طرف دیگر، با توجه به همسایگی و اشتراکات فرهنگی بین ایران با دو کشور درگیر در جنگ و اهمیت نحوه بازتاب‌های رسانه‌ای آن، پژوهش حاضر پیشنهادی رسانه‌ای برای رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی صداوسیما نیز ارائه می‌دهد. داده‌ها و اطلاعات این تحقیق با استفاده از تکنیک کتابخانه‌ای گردآوری شده است و به روش توصیفی-تحلیلی تجزیه و تحلیل

شده‌اند. بدین صورت که هر یک از اهداف جمهوری آذربایجان بر اساس مستندات، توصیف و سپس تحلیل شده است. در مورد پیامدها نیز چنین مسیری پیموده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

با اینکه در خصوص جنگ اول قراباغ و بحران آن مطالب زیادی وجود دارد، اما در مورد جنگ دوم قراباغ تاکنون پژوهش‌های اندکی چاپ شده است. در ادامه پژوهش‌های مهمی که در چند سال گذشته چاپ شده‌اند، معرفی شده است.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش‌ها با تمرکز بر بحران قراباغ کوهستانی

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه / توضیح
منافع روسیه و بحران‌های منطقه قفقاز جنوبی	رشیدی و ملکی	۱۳۹۸	یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که روسیه بر اساس رویکرد سیاسی-امنیتی خود، منطقه خارج نزدیک، به‌ویژه قفقاز جنوبی را حوزه نفوذ طبیعی خود تعریف کرده و مداخله خارجی و شکل‌گیری زمینه‌های نفوذ کشورهای غربی در آن منطقه را بر نمی‌تابد.
سیاست خارجی آمریکا و روسیه در بحران قراباغ	جعفری‌فر و احرامی	۱۳۹۷	مقاله با بررسی تأثیر سیاست خارجی آمریکا و روسیه بر وضعیت بحران قراباغ نتیجه می‌گیرد که سیاست خارجی آمریکا و روسیه در این منطقه در راستای رقابت این دو کشور با یکدیگر به وضعیت نه صلح و نه جنگ در منطقه قراباغ و تداوم بحران منجر شده است.
نقش رادیو برون‌مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان	ترابی‌اقدم و اخگری	۱۳۹۷	یافته‌های مقاله نشان می‌دهد برنامه‌های رادیو برون‌مرزی آذری به‌ویژه از دیدگاه چارچوب‌سازی از حد مطلوب فاصله دارند. تحلیل‌های آماری موید این موضوع است که برجسته‌سازی مباحث تاریخی از اولویت رسانه و اولویت سیاسی کافی برای سیاست‌گذاری این رسانه شنیداری برخوردار نیست.
نشست علمی برای بررسی جنگ قراباغ	کازمی و همکاران	۱۳۹۹	این نشست با رویکرد پروژه‌محور دانستن جنگ دوم قراباغ، ضمن مطرح کردن تهدیدات آن برای ایران، به تهدیدات آن برای شیعیان جمهوری آذربایجان پرداخته است. بنابراین، این جنگ می‌تواند به‌عنوان پروژه‌های مطرح شود که توسط سایر قدرت‌ها تعریف شده است که جمهوری آذربایجان در آن یک بازیچه فرض می‌شوند و از تبعات منفی آن علیه خودآگاه نیستند.
رویکرد ترکیه در قبال بحران قراباغ (۲۰۰۳-۲۰۲۰)	وطن‌خواه و نوازنی	۲۰۲۱	به‌نظر می‌رسد ترکیه به‌نفع باکو وارد عمل شده که این در بلندمدت به نفع خود ترکیه است. ترکیه با پیروی از دکترین «عمق استراتژیک»، تحت تأثیر سیاست تنش‌زدایی با همسایگان خود و نوع‌نویسی، مسیر حمایت از سیاست‌های غربی را به سمت استقلال و نفوذ بر قفقاز جنوبی و مناطق قراباغ را در راستای منافع ملی خود دنبال کرده است.





ادامه جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش‌ها با تمرکز بر بحران قراباغ کوهستانی

عنوان پژوهش	مؤلف	سال	نتیجه / توضیح
بررسی اهداف استراتژیک ترکیه در منطقه قفقاز در طی بحران ۲۰۲۰ قراباغ کوهستانی	دادپرور و عزیز	۲۰۲۰	اهداف استراتژیک ترکیه در منطقه قفقاز در بحران ۲۰۲۰ قراباغ، توسعه ژئوپلیتیک، تسلط بر خطوط لوله انرژی و تقویت موقعیت خود در منطقه قفقاز و عرصه بین‌المللی عنوان شده است.
گزارشی از جنگ قراباغ: چرا اکنون و بعداً چه پیش می‌آید؟	ارگون و علی‌اف ^۱	۲۰۲۰	هدف از این مقاله، تجزیه و تحلیل دلایل و پیامدهای عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در قراباغ، با تمرکز بر پیشینه وقایع کنونی و بحث در مورد نقش و تأثیر اشخاص ثالث است.
ژئوپلیتیک و جنگ دوم قراباغ	کرنجویک ^۲	۲۰۲۱	توضیح داده می‌شود که چگونه جمهوری آذربایجان در نهایت توانست مطمئن شود که زمان و نحوه احیای تمامیت ارضی‌اش فرا رسیده است. بنابراین، اهداف و سوءبرداشت‌های ژئوپلیتیکی به نتیجه جنگ دوم قراباغ کمک زیادی کرد.
تشدید درگیری بین ارمنه و جمهوری آذربایجان و مشکلات حل صلح‌آمیز جنگ قراباغ کوهستانی	مودبادزه ^۳	۲۰۲۱	توضیح می‌دهد که حل مسالمت‌آمیز این درگیری بسیار مشکل است؛ زیرا طرفین ذی‌نفع دارای منافع ژئوپلیتیکی متضادی هستند و نمی‌توانند در جریان مذاکرات به اجماع برسند. باید منافع ژئوپلیتیک روسیه در قفقاز جنوبی در نظر گرفته شود که علاقه‌مند است این درگیری را منجمد کند تا هر دو کشور را تضعیف کرده و آنها را به مدار روسیه بازگرداند.
پیامدهای ژئوپلیتیک مناقشه قراباغ کوهستانی	جان و دیگران ^۴	۲۰۲۱	اهمیت ژئوپلیتیک منطقه و منافع جغرافیایی - استراتژیک قدرت‌های منطقه - ای و فرامنطقه‌ای، باعث تشدید این درگیری و تحریک آن شده است.
سیاست خارجی روسیه در قبال مناقشه قراباغ؛ ژئوپلیتیک محتاطانه، عدم‌ظرفیت یا هویت؟	ابوشوف ^۵	۲۰۱۹	استدلال می‌کند در حالی که روسیه از ظرفیت لازم برای دستیابی به حل نهایی این درگیری برخوردار نیست، اما منابع کافی برای دستیابی به این راه‌حل که مناطق اشغالی خارج از قراباغ را آزاد کند و وضعیت خود قراباغ را برای آینده نامعلوم حل نشده رها کند، دارد.
تفسیر مجدد دشمن؛ باورهای ژئوپلیتیکی و ارزیابی مقصر در درگیری قراباغ	رادنتیز ^۶	۲۰۱۹	مقاله نشان می‌دهد که چگونه تصور ژئوپلیتیکی، نگرش مردم جمهوری آذربایجان در مورد مقصر درگیری قراباغ را شکل می‌دهد. علیرغم روایت‌های رسمی که ارمنستان را شیطان نشان می‌دهند، باور مردم جمهوری آذربایجان تا حد قابل‌توجهی تقصیر را به گردن روسیه می‌اندازد. آنها تمایل داشتند تا ارمنستان را نماینده شوروی - روسیه درک کنند و رفتار ارمنستان را متأثر از منافع روسیه می‌دانستند، نه رفتار ذاتی خود ارمنستان.

1. Ergun & Aliyev

2. Krnjevic

3. Modebadze

4. Jan & Others

5. Abushov

6. Radnitz



همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در هیچ کدام از این پیشینه‌ها به‌شکل جامعی به تحلیل ژئوپلیتیکی بحران قراباغ پرداخته نشده است. از این منظر این پژوهش سعی دارد تا با تکیه بر تحلیل ژئوپلیتیکی، آثار جنگ برای یکی از طرف‌های اصلی جنگ، یعنی جمهوری آذربایجان را مطالعه و این خلاء را تکمیل نماید.

۳. ادبیات نظری: ژئوپلیتیک

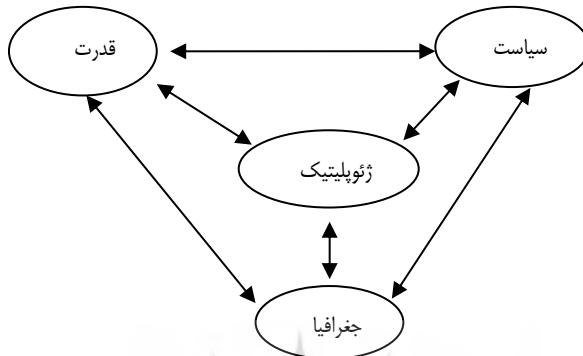
تعریف «ژئوپلیتیک» تا حدودی دشوار است. در ابتدا، ژئوپلیتیک به‌عنوان «یک رابطه علت و معلولی جبرگرایانه بین جغرافیا و روابط بین‌الملل با تمرکز بر رقابت دائمی، گسترش سرزمینی و استراتژی‌های نظامی قدرت‌های امپریالی» تصور می‌شد. با این حال، با گذشت زمان، ژئوپلیتیک معنای گسترده‌تری یافت و به تأثیر جغرافیا بر قدرت کشورها و روابط بین‌الملل معنی شد، اما تأکید آن بر جبرگرایی کمتر و بر اهمیت استراتژیک منابع طبیعی، موقعیت آنها، مسیرهای حمل‌ونقل و گذرگاه‌ها بیشتر شد. اواخر دهه ۱۹۹۰ با ظهور ژئوپلیتیک انتقادی، شکاف اصلی در این رشته بین ژئوپلیتیک کلاسیک و انتقادی بوده است (Vakulchuk & Others, 2020: 2). متفکران ژئوپلیتیک انتقادی بر این عقیده‌اند که ژئوپلیتیک، معنی و هویت تفکیک شده و فراگیر نداشته، بلکه گفتمان و شیوه‌ای فرهنگی و سیاسی متفاوت برای توصیف، نوشتار و نمایش جغرافیا و سیاست بین‌الملل است. آنها ژئوپلیتیک را نوعی «قدرت، دانش است» می‌دانند (Dalby & Others, 2006: 3).

فرهنگ لغت جغرافیای جهان معتقد است ژئوپلیتیک، سیاست‌هایی است که با توجه به شرایط جغرافیایی، روابط سرزمینی و آرزوهای نهادهای سیاسی در حال وقوع است (Mccoll, 2018: 360). از نظر ریچارد هارتشورن^۱، ژئوپلیتیک، جغرافیایی است که برای اهداف خاصی استفاده می‌شود و فراتر از پیگیری دانش است (Cohen, 2014: 15). دادز معتقد است که ژئوپلیتیک یک رویکرد ویژه به سیاست جهانی است که بر اهمیت سرزمین و منابع تأکید می‌کند (Dodds, 2000, 162). از نظر آستویک، ژئوپلیتیک مطالعه چگونگی تأثیر جغرافیا بر روابط بین‌الملل، قدرت و آسیب‌پذیری‌ها است (Austvik, 2018: 25). از دید فلینت و تیلور، ژئوپلیتیک تهاجمی به بررسی توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورها در سراسر جهان و به‌ویژه رقابت بین قدرت‌های بزرگ و اصلی می‌پردازد (Flint & Teylor, 2018: 246).

^۱ Richard Hartshorne



همان طور که در شکل شماره (۱) دیده می‌شود، به‌طور کلی می‌توان گفت، ژئوپلیتیک عبارت است از «علم مطالعه روابط متقابل عناصر جغرافیا، سیاست و قدرت و کنش‌ها و نتایج ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۴۹).



شکل شماره (۱): تعریف ژئوپلیتیک از منظر حافظنیا (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۴۹).

در این تعریف، عنصر جغرافیا در سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. عنصر سیاست نیز در سه حوزه ایدئولوژی و اندیشه سیاسی، ساختارها و سیستم سیاسی نظیر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی و نیز کنش و رفتار سیاسی که از سوی بازیگران در پیش گرفته می‌شود، مدنظر است. عنصر قدرت نیز در هر سطحی و در هر بعدی چه از نظر تولید و چه از نظر کاربرد و چه از نظر الگوی پخش و رده‌بندی، به نحوی از عناصر دیگر، یعنی جغرافیا و سیاست متأثر بوده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، متغیرها، پدیده‌ها و موضوعات ژئوپلیتیک نیز حاصل تأثیرات متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست هستند (رسولی و شریعتی، ۱۳۹۹: ۲۰۵). از آنجا که جنگ قراباغ یکی از بحران‌های ژئوپلیتیکی پایدار در مناطق ژئوپلیتیکی مجاور ایران محسوب می‌شود و همچنین رفتار سیاسی بازیگران دخیل در این بحران، به‌خصوص جمهوری آذربایجان برای دستیابی به مزیت‌های ژئوپلیتیکی می‌باشد، مفهوم «ژئوپلیتیک» چراغ نظری مناسبی است که می‌تواند برای تبیین رفتار سیاسی این بازیگر به کار گرفته شود. ژئوپلیتیک یکی از مهمترین مفروضات بینادی می‌باشد که می‌تواند به تبیین رفتار کلیه بازیگران سیاسی در این گونه بحران‌ها بپردازد؛ چرا که به درستی رابطه بین «جغرافیا»، «قدرت» و «سیاست» را نشان می‌دهد.



۴. یافته‌های تحقیق

از آنجا که جمهوری آذربایجان در پروژه جنگ دوم قراباغ به دلیل برتری نظامی ناشی از حمایت‌های نظامی ترکیه و رژیم صهیونیستی، مهمترین نقش را در شعله‌ور ساختن یا خاموش نمودن آن داشت، اهداف خاصی را مدنظر داشته است. هر چند هدف ظاهری و اصلی این کشور به بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته بر می‌گردد، اما می‌توان اهداف دیگری را متصور شد که عمدتاً با علایق آنکارا و تل‌آویو پیوند خورده و جمهوری آذربایجان خواسته به آنها برسد یا در نتیجه، جنگ به آنها رسیده است. بر این اساس اهداف این کشور از این جنگ را می‌توان به دو دسته ۱- اهداف اولیه: اعاده تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی، و ۲- اهداف ثانویه: اهداف ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک تقسیم نمود.

۴-۱. اهداف اولیه: اعاده تمامیت سرزمینی و حاکمیت ملی

بحران قراباغ یکی از مهمترین بحران‌های به‌جای مانده از زمان شوروی است که در قفقاز جنوبی رخ داده و باعث وقوع چندین جنگ بین جمهوری آذربایجان و جمهوری خود خوانده قراباغ کوهستانی (آرتساخ) و ارمنستان به‌عنوان حامی آن شده است. در اولین جنگ که بلافاصله بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی رخ داد، توازن قوا به‌شدت به‌نفع ارمنستان بود و به‌همین دلیل منطقه قراباغ کوهستانی و هفت منطقه پیرامون آن به تصرف ارمنستان در آمد و جمهوری آذربایجان شکست بزرگی را متحمل شد. از آنجا که کلیه این سرزمین‌های از دست‌رفته طبق قواعد حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متعلق به جمهوری آذربایجان بودند، طبیعی بود که این کشور مدام درصدد توسعه توان نظامی و فرصت مناسب برای بازپس‌گیری آنها باشد.

اگرچه در سال ۱۹۹۴ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان آتش‌بس اعلام شد، اما از آن زمان تا سال ۲۰۲۰ مذاکرات صلح برای حل سیاسی و تلاش‌های جمهوری آذربایجان برای بازگرداندن تمامیت ارضی خود بی‌اثر و بی‌فایده بود (Dadpavar And Azizi, 2020: 478).

در جبهه مذاکرات دیپلماتیک، ارمنستان اصول مادرید در مارس- آوریل سال ۲۰۲۰ را محکوم کرد. علاوه بر این، در اوت ۲۰۱۹، نخست‌وزیر ارمنستان، نیکول پاشینیان، قراباغ کوهستانی را به‌عنوان بخشی از ارمنستان اعلام کرد. این ادعای الحاق‌گرایانه برخلاف هدف و قالب مذاکرات بین‌المللی تحت نظارت گروه مینسک و همچنین اصول حقوق بین‌الملل است (Ergun & Aliyev, 2020: 3-4). نیکول پاشینیان تلاش کرد تا شکل مذاکرات صلح را با هدف آوردن رژیم



جدایی طلب به میز مذاکره تغییر دهد. پاشینیان در اعلامیه‌ای پوپولیستی بیان کرد: «آرتساخ مال ارمنستان است و بس». در کنار این لفاظی‌های تند، دیوید تونویان، وزیر دفاع وقت ارمنستان، در سفر به ایالات متحده در مارس ۲۰۱۹، در دیدار با ارامنه آمریکا اظهار داشت که استراتژی ارمنستان از «دفاع از سنگر» به «بازدارندگی فعال» و استراتژی «جنگ جدید برای سرزمین‌های جدید» تبدیل شده است (Center Of Analysis Of International Relation, 2021: 1).

در طرف مقابل، این تصور که می‌توان صلح را از طریق پیروزی نظامی بر دشمن به دست آورد، از دیرباز در گفتمان سیاسی باکو حاکم بوده است. در ژوئن ۲۰۱۸، الهام علی‌اف، هنگام سخنرانی در رژه نظامی هم از قدرت نظامی و هم از اهداف صلح‌آمیز خود صحبت کرد و سخنان خود را با این نتیجه‌گیری متناقض به پایان رساند: «ما خواهان حل و فصل مسالمت‌آمیز مناقشه هستیم و سیاستی که جمهوری آذربایجان دنبال می‌کند (یعنی نظامی شدن گسترده کشور) شاهد بارز آن است» (Gamaghelyan & Romyantsev, 2021: 1).

دو روز قبل از حمله ماه سپتامبر ۲۰۲۰، علی‌اف در مجمع عمومی سازمان ملل تأکید کرد که باکو باید سرزمین‌های مجاور منطقه درون‌گان قراباغ و همچنین خود سرزمین قراباغ کوهستانی را بازپس گیرد (Castro Torres, 2020: 16). علی‌اف، در سخنرانی خود در اثنای جنگ ۴۴ روزه و پس از حملات ارمنستان به گنجه^۱، ترتر^۲ و مینگه‌چویر^۳ خطاب به مردم جمهوری آذربایجان اظهار داشت که «آذربایجان ۳۰ سال دیگر برای حل و فصل این مناقشه منتظر نخواهد ماند»، و خواستار «عقب‌نشینی فوری نیروهای ارمنی، به رسمیت شناختن تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، عذرخواهی پاشینیان و پیشنهاد یک جدول زمانی مشخص برای عقب‌نشینی» شد (Ergun & Aliyev, 2020: 8).

۴-۲. اهداف ثانویه: اهداف ژئواکونومیک، ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی

۴-۲-۱. تأمین امنیت انرژی

جمهوری آذربایجان از یک طرف به دلیل داشتن ذخایر هیدروکربنی و از طرف دیگر به دلیل برخورداری از موقعیت حائل که بین بازارهای تولید و مصرف، قطب‌های تولید دریای خزر و

1. Gence

2. Terter

3. Mingchevir



خلیج فارس و همچنین مسیر عبور خطوط لوله نفت و گاز، از فرصت بازیگری در معادلات ژئوپلیتیکی انرژی در منطقه برخوردار است. با اینکه این کشور به شکل نسبی از مزایای ژئوپلیتیک انرژی استفاده نموده است، اما بحران قراباغ در دهه‌های گذشته همواره از متغیرهایی بوده است که مانع تکمیل پروژه‌های انرژی و بهره‌وری بیشتر این کشور و حتی کل منطقه قفقاز جنوبی شده است. بحران قراباغ از دو منظر می‌تواند ژئوپلیتیک انرژی جمهوری آذربایجان را تحت تأثیر قرار دهد. نخست کاهش تولید و از دست دادن بازار مصرف و دوم به خطر انداختن موقعیت ترانزیت انرژی. به همین دلیل، یکی از مهمترین اهداف این کشور و متحدین آن از جنگ دوم قراباغ دفع تهدیدات ناشی از این بحران برای امنیت انرژی و در عین حال ایجاد یک کریدور بین‌المللی جدید انتقال انرژی از آسیای مرکزی و دریای کاسپین به ترکیه در مسیر موسوم به «دالان تورانی» می‌باشد که عبور آن از جنوب ارمنستان، هدف‌گذاری شده است.

از منظر باکو و آنکارا در صورت تحقق «دالان تورانی» در چارچوب یک توافق تحمیلی یا از طریق اشغال نظامی جنوب ارمنستان، موقعیت و ظرفیت ترانزیتی جمهوری آذربایجان برای انتقال انرژی و امید تولیدکننده‌های آسیای مرکزی برای پیوستن به بازار مصرف اتحادیه اروپا افزایش می‌یافت. به همین دلیل پس از پایان جنگ ۴۴ روزه، پیشرفت قابل توجهی برای پایان دادن به اختلاف ۳۰ ساله بین باکو و عشق‌آباد بر سر میدان نفتی دریایی دوستلوق^۱ (دوستی) واقع در منطقه مورد مناقشه دریای کاسپین رخ داد.

از نظر باکو، پایان مرحله فعال درگیری، تهدید زیرساخت‌های انرژی منطقه‌ای را برطرف کرد و فرصت‌های جدیدی را برای تقویت موقعیت آن در بازارهای انرژی اروپا با ایجاد گفتگو با عشق‌آباد باز کرد. در صورت تحقق دالان تورانی، باکو می‌تواند در تنوع بخشیدن به انرژی اروپا فعال باشد. افزایش عمده صادرات گاز طبیعی (سالانه بیش از ۱۰ میلیارد متر مکعب) به اروپای جنوب شرقی، اهمیت انرژی دریای کاسپین را به‌عنوان جایگزینی برای گازپروم روسیه افزایش می‌دهد (Shahbazov, 2021: 2). لذا، خطوط لوله و کریدورهای انتقال انرژی از جمهوری آذربایجان از طریق گرجستان به ترکیه، منابع دریای کاسپین را به‌روی جنوب شرقی اروپا و غرب آسیا باز کرده است و این نفوذ جمهوری آذربایجان در چندین کشور مدیترانه‌ای را به‌دنبال دارد.

^۱. Dostlug



امروز تقریباً ۴۰-۴۵ درصد از واردات نفت رژیم صهیونیستی از جمهوری آذربایجان است و این سومین بازار بزرگ صادرات جمهوری آذربایجان پس از ایتالیا و ترکیه است. آلبانی و ایتالیا گاز جمهوری آذربایجان را از طریق خطلوله ترانس آدریاتیک^۱ که ادامه خطلوله گاز طبیعی ترانس آناتولی^۲ است، دریافت می‌کنند. این وضعیت، جمهوری آذربایجان را قادر می‌سازد تا علاوه بر ۱۰ میلیارد متر مکعب مشخص شده برای حمل‌ونقل بیشتر به جنوب اروپا، ۶ میلیارد متر مکعب گاز به بازار ترکیه عرضه کند (Stronski, 2021: 4).

با توجه به این فرصت‌های ژئوپلیتیکی که انرژی برای جمهوری آذربایجان فراهم آورده است، حذف مهمترین مانع استفاده از این فرصت‌ها، یعنی ایجاد کریدور در جنوب ارمنستان با استفاده ابزاری از بحران قراباغ برای تحمیل دالان تورانی بر ایران، در اولویت قرار گرفت.

۴-۲-۲. برقراری توازن منطقه‌ای

بعد از فروپاشی شوروی، منطقه نوظهور قفقاز جنوبی به عرصه جدیدی برای رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شد. لذا، این منطقه از توازن قدرت پویایی برخوردار است که عدم توازن قدرت در منطقه با توجه به بحران قراباغ پیچیده‌تر شده است. هر کدام از قدرت‌های فرامنطقه‌ای سعی نموده‌اند با تمسک به حمایت آشکار یا نهانی از طرفین این بحران و جنگ، در پی تحکیم جای پای خود در منطقه باشند. در نتیجه، پیرامون این مسئله ائتلاف‌هایی شکل گرفت که طی چند دهه گذشته به نفع ارمنستان و به ضرر جمهوری آذربایجان بود. جمهوری آذربایجان برای حل بحران و استفاده از فرصت‌های انرژی‌محور، کوشید با دادن تعهدات و امتیازات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی به ترکیه و رژیم صهیونیستی، این موازنه را تغییر دهد. اما مهمترین اولویت برای باکو، ایجاد یک توازن رقیب در مقابل روسیه، استفاده از علائق رژیم صهیونیستی برای رقابت با ایران در قفقاز جنوبی در قالب نظریه «موازنه تهدید» استفان والت، و تلاش برای ایجاد انقطاع ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و ژئوکالچرال میان ایران با جمهوری آذربایجان و قفقاز بود.

درگیری قراباغ یک رقابت ژئوپلیتیکی بین قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایجاد کرده است. کرنل اعتقاد دارد که به‌دلیل حلقه روسیه، ایران و ارمنستان، در اطراف جمهوری آذربایجان، تهدید

^۱. Trans Adriatic Pipeline

^۲. Trans Anatolian Natural Gas Pipeline



امنیتی علیه باکو شکل گرفت و نفت آن به بازارهای بین‌المللی وارد نمی‌شد (Jan & Others, 2021: 1380). همچنین رقبای فرامنطقه‌ای دیگر به‌خصوص برخی از کشورهای غربی و رژیم اسرائیل خود را وارد بازی قراباغ کردند. جمهوری آذربایجان توانست در لوای پاسخ به اهداف استراتژیک بعضاً متفاوت این بازیگران (مانند ترکیه و رژیم صهیونیستی)، ائتلافی را به وجود آورد که باعث پیروزی سریع آن در جنگ و ایجاد موازنه قوای منطقه‌ای جدید شود. در نتیجه، به‌زعم بسیاری (Dorsey, 2020: 1; Shafiyev, 2021; Dadpavar And Azizi, 2020: 478) جمهوری آذربایجان با کمک تسلیحاتی متحدان خود توانست به سرعت بر رقیب خود پیروز شود. این جنگ، اشکال جدیدی از جنگ ائتلاف‌ها را نشان داد که در سطح منطقه‌ای در منطقه قفقاز وجود داشت. ائتلاف ترکیه- جمهوری آذربایجان علیه ارمنستان- روسیه، به‌گونه‌ای بود که برخی آن را نوعی جنگ نیابتی بین روسیه و ترکیه توصیف نموده‌اند (Benedikter, 2021: 3).

۴-۲-۳. غلبه بر تنگناهای ارضی و مرزی

پیچیدگی‌های روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان فقط به قراباغ کوهستانی ختم نمی‌شود. جمهوری آذربایجان دارای چندین تنگنای سرزمینی مرتبط با ارمنستان است. مسئله نخست به جمهوری خودمختار نخجوان بر می‌گردد که توسط استان سیونیک ارمنستان از خاک اصلی جمهوری آذربایجان جدا شده و جمهوری آذربایجان برای رفتن به نخجوان از طریق ارمنستان، نیاز به عبور از یک کریدور ۴۴ کیلومتری دارد. هر چند استان سیونیک به‌طور قانونی کاملاً متعلق به ارمنستان می‌باشد، اما کسب یک کریدور در داخل آن برای جمهوری آذربایجان مهم است؛ زیرا علاوه بر دسترسی زمینی به نخجوان می‌تواند با ترکیه نیز ارتباط سرزمینی برقرار سازد و سپس ارتباط دنیای ترک با جمهوری آذربایجان و ترکیه از طریق دالان جعلی تورانی پیوسته شود و ناتو مستقیماً به دریای کاسپین و آسیا مرکزی وصل گردد.

بر همین اساس باکو در جنگ ۴۴ روزه سعی داشت عملیاتی در داخل خاک ارمنستان به موازات مرز ایران و ارمنستان آغاز کند که تهدیدات روسیه و ایران مبنی بر لزوم احترام به مرزهای بین‌المللی مانع از این کار شد. اما باکو توانست در قرارداد آتش‌بس بین طرفین، موضوع اتصال محورهای مواصلاتی بین جمهوری خودمختار نخجوان با سرزمین اصلی جمهوری را طرح کند. زمان اجرا و مکان این خطوط مواصلاتی مشخص نیست اما قرار است توسط گارد مرزی سرویس امنیتی فدرال روسیه، FSB، محافظت شود (Hedenskog and Others, 2020: 1). الهام الهام علی‌اف که به‌نظر می‌رسد به‌دلیل دالان موهوم تورانی و منطبق بر علایق ترکیه و



رژیم صهیونیستی، جنگ دوم قراباغ را شروع کرده بود، نتوانست در جریان جنگ، دالان جعلی تورانی یا کریدور جعلی زنگزور را محقق سازد. بر همین اساس «علی‌اف بارها پس از جنگ تهدید کرد که با زور آن را ایجاد می‌کند» (Tertrais, 2021: 2). تحرکات نظامی باکو در نوامبر ۲۰۲۱ برای ایجاد کریدور در شمال استان سیونیک ارمنستان از طریق نقض فاحش توافقنامه آتش بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰، نه تنها نقض قواعد آمره حقوق بین‌الملل بود بلکه منجر به اعتراض شدید ایروان گردید. به دنبال آن رؤسای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۱ در سوچی در بیانیه‌ای بر تأسیس کمیسیون دوجانبه برای تعیین حدود مرز دولتی بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان و اجرای بیانیه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۱ مبنی بر رفع انسداد کلیه ارتباطات اقتصادی و حمل و نقل در منطقه تأکید کردند.

یکی دیگر از تبعات ژئوپلیتیکی جنگ دوم قراباغ، احتمال محاصره ژئوپلیتیکی قراباغ کوهستانی است. سرزمین قانونی قراباغ کوهستانی در درون خاک جمهوری آذربایجان واقع شده است و با هیچ کشور خارجی و ارمنستان ارتباط سرزمینی ندارد. تصرف سرزمین‌های مجاور آن در جنگ اول قراباغ باعث شد تا این واحد سیاسی هم با ارمنستان و هم ایران هم‌مرز شود. لذا جمهوری آذربایجان با بازپس‌گیری سرزمین‌های قانونی خود در جنگ دوم قراباغ، باعث انزوای جغرافیایی این واحد شد.

الهام علی‌اف اعلام کرده است که قصد دارد سیاست جداسازی قراباغ را از دنیای خارج و قطع روابط سیاسی آن با ارمنستان ادامه دهد. وی در ۸ ژانویه ۲۰۲۱ با ابراز خشم از سفر وزیر خارجه ارمنستان به این منطقه، ارامنه را در صورت تکرار چنین سفرهایی تهدید به «مشت آهنین» کرد. علی‌اف در همان سخنرانی گفت: «همه بازدیدها باید متوقف شود. هیچ شهروند خارجی نمی‌تواند بدون اجازه ما وارد آن منطقه شود. هیچ سازمان بین‌المللی به جز صلیب سرخ نمی‌تواند به آنجا برود» (Waal, 2021). البته مدتی بعد از این تهدید، وزیر دفاع وقت ارمنستان نیز به قراباغ کوهستانی سفر کرد. در جنگ دوم قراباغ، ارتش جمهوری آذربایجان، به سرعت به سمت دالان لاجین^۱ که خط اصلی تأمین ارامنه قراباغ است، پیشروی کردند. تصرف دالان لاجین، هدف اصلی جمهوری آذربایجان بود؛ زیرا بدون کریدور لاجین شریان اصلی ارمنستان به قراباغ کوهستانی قطع می‌شد. نبردهای سنگین در جبهه‌های خوجه‌وند (مارتونی)^۲ و لاجین صورت گرفت (Modebadze, 2021: 106). اما نهایتاً جمهوری آذربایجان در توافق‌نامه

^۱ Lachin Corridor

^۲ Khojevand (Martuni)



آتش‌بس، به اتصال قراباغ کوهستانی به ارمنستان از طریق دالان لاجین و استقرار صلح‌بانان روسی در این مناطق رضایت داد و هدف انزوای ژئوپلیتیکی قراباغ محقق نشد.

علاوه بر مسئله قراباغ، خطوط و سرزمین‌های مرزی بین طرفین نیز از دیگر عوامل نگرانی‌زا بین دو کشور هستند. دو کشور باید مرز بین‌المللی مشترک خود را در مناطقی مانند بخش‌های کلججر، قبادلی و زنگیلان جمهوری آذربایجان و همچنین بیشتر بخش لاجین که توسط نیروهای ارمنی تخلیه شده‌اند، تعیین کنند. باکو در مرز منتهی به استان جنوبی ارمنستان، استان سیونیک، و ناحیه قبادلی جمهوری آذربایجان، از نقشه‌های مناقشه‌انگیز دوران شوروی برای تسلط سریع بر سرزمین‌ها استفاده کرد. این سرزمین‌ها شامل بخش‌هایی از بزرگراه اصلی بین شهرهای گوریس و کاپان، زمین‌های کشاورزی فراوان و بخش‌هایی از روستای شورنوخ است (waal, 2021).

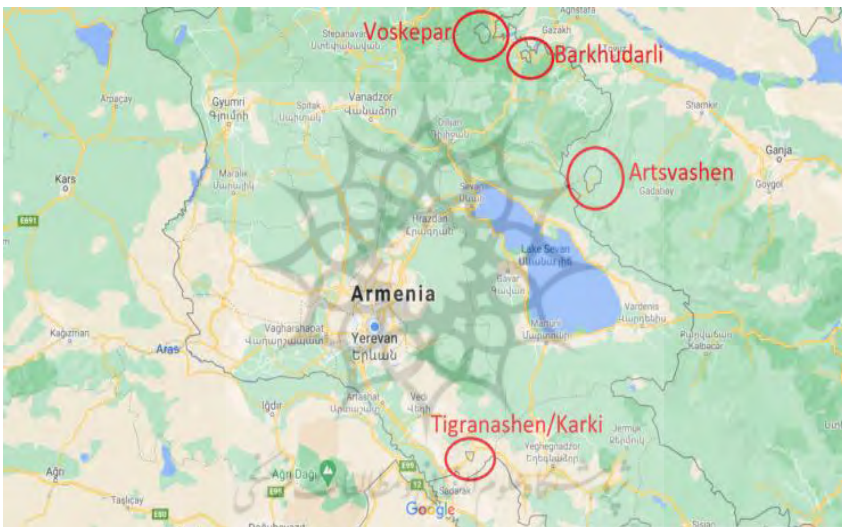
مسئله حاکمیتی مهم دیگر، علاوه بر قراباغ کوهستانی و تعیین خطوط مرزی مبهم، میراث شومی از دوران اتحاد جماهیر شوروی است که شامل درون‌گان‌هایی می‌شود که دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان در داخل خاک یکدیگر دارند. اگر بر برخی نقشه‌های منطقه تمرکز شود، سرزمین‌های محصور در داخل خاک ارمنستان یا جمهوری آذربایجان مشاهده می‌شود که متعلق به کشور همسایه هستند. بر اساس ادعای طرفین، جمهوری آذربایجان سه منطقه از این درون‌گان‌ها در داخل ارمنستان دارد و ارمنستان نیز در مقابل دارای یک درون‌گان است.

در نزدیکی قازاخ^۱ جمهوری آذربایجان و در فاصله دورتری از منطقه مورد مناقشه قراباغ، منطقه آسکیپارا علیا^۲ که در جمهوری آذربایجان به‌عنوان هفت روستا شناخته می‌شود و منطقه بارخودارلی^۳ در نزدیکی نخجوان، و برون‌گان کرکی^۴ در داخل خاک ارمنستان قرار دارند. ارمنستان نیز دارای یک برون‌گان به نام آرتشوشن^۵ در داخل خاک جمهوری آذربایجان است. در حال حاضر با اینکه برون‌گان‌های جمهوری آذربایجان در کنترل ارمنستان و برون‌گان ارمنستان در کنترل جمهوری آذربایجان قرار دارند و از نظر وسعت تقریباً با هم برابرند، هر دو مورد توجه

1. Gazakh
2. Upper Askipara
3. Barkhudarly
4. Karki
5. Artsvashen



جمهوری آذربایجان و تا حدودی ترکیه قرار گرفته‌اند و جمهوری آذربایجان از قبل از آتش‌بس خواهان بازگشت برون‌گان‌های خود بود. هر چند ارمنستان در بازگرداندن برون‌گان‌های جمهوری آذربایجان دچار تعلل شده است؛ چرا که به دلیل عبور بزرگراه اصلی ارمنستان به گرجستان و ایران از آسکیپارا و عبور راه درون کشوری ایروان به سیونیک، ارسخان و ایران از کرکی، این مناطق برای ایروان دارای اهمیت استراتژیکی هستند، اما راه‌حل‌های خود را برای حل این مسئله مطرح نموده است و به نظر می‌رسد بر خلاف جمهوری آذربایجان، خواهان معاوضه برون‌گان آرتشوشن با برون‌گان‌های باکو در خاک خود باشد (Waal, 2021; Isayev, 2021: 3-5; Harutyunyan, 2021: 2-4; Petrosyan, 2021: 2).



شکل شماره ۳: مناطق برون‌گان جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان در داخل خاک یکدیگر؛ (Petrosyan, 2021: 2)

۵. پیامدهای ژئوپلیتیکی جنگ دوم قراباغ

با اینکه می‌توان گفت مهمترین پیامد جنگ دوم قراباغ دستیابی جمهوری آذربایجان به بخشی از اهداف خود است، اما نمی‌توان به شکل مطلق به این قضیه به حالت خوشبینانه نگاه کرد. بنابراین، به طور کلی و در حالت بینابینی می‌توان پیامدهای جنگ دوم قراباغ برای جمهوری آذربایجان را در قالب محورهای زیر مورد تحلیل قرار داد.



۵-۱. آزادسازی سرزمینی ناتمام

جمهوری آذربایجان توانست در جنگ دوم قراباغ به هدف اولیه خود برسد. این کشور توانست با عملیات نظامی در محور اصلی جنوب و محور فرعی شمال قراباغ، کلیه سرزمین‌های تصرف شده خود در جنوب قراباغ در بخش‌های فضولی، جبرائیل، زنگیلان و قبادلی را به تصرف در آورد. نواحی کلبجر، آق‌دام و لاجین نیز براساس قرارداد آتش‌بس از نیروهای ارمنی تخلیه شدند. بدین طریق جمهوری آذربایجان توانست، علاوه بر هفت منطقه اشغالی در اطراف قراباغ کوهستانی، بخشی‌هایی از خود قراباغ کوهستانی و به‌خصوص شهر تاریخی و استراتژیک شوشا را بازپس گیرد. اما همچنان خود قراباغ کوهستانی (آرتساخ) از کنترل آن خارج است و بر همین اساس برخی معتقدند که جمهوری آذربایجان نه تنها به هدف اصلی خود نرسیده است، بلکه با توجه به استقرار نیروهای صلح‌بان روسیه وضعیت آن پیچیده‌تر شده است.

استوارز معتقد است «جمهوری به رسمیت شناخته نشده قراباغ کوهستانی تقریباً ۷۵ درصد از سرزمین‌های تحت کنترل خود از جمله بخش‌هایی از منطقه خودمختار قراباغ سابق در مرزهای ۱۹۸۸ را از دست داد. با وجود شکست آشکار ارمنستان، جمهوری آذربایجان نتوانست به کل قلمرو قراباغ حمله کند و در حال حاضر، حدود ۳۰۰۰ کیلومتر مربع از این سرزمین تحت کنترل نیروهای صلح‌طلب روس است که عملاً یک حاکمیت دوفاکتور تحت حمایت روسیه را ایجاد می‌کند (Baghirov, 2020: 1). هرچند، پس از به دست آوردن کنترل مجدد بخش جنوبی قراباغ کوهستانی و سرزمین‌های مجاور آن، حقایق مربوط به قلمرو جمهوری آذربایجان تا حد زیادی مطابق وضعیت حقوق بین‌الملل است و این وضعیت، جایگاه دولت را از نظر داخلی تقویت و قلمرو خارج از کنترل آن را به‌طور قابل توجهی محدود می‌کند، با این حال، این بدان معنا نیست که تمام نقاط داغ احتمالی حذف شده‌اند. علاوه بر این که بخشی از قراباغ کوهستانی هنوز خارج از کنترل جمهوری آذربایجان است. کریدور لاجین یک مورد پیچیده دیگر است، یک نوار به عرض ۵ کیلومتری از قلمرو جمهوری آذربایجان که قرار است به‌عنوان دالان بین ایروان و خان‌کندی (استپاناکرت)، واقع در قسمت شمالی قراباغ، عمل کند (Stawarz, 2020: 241-242).

قرائن موجود حکایت از این دارد که هدف اصلی جمهوری آذربایجان از جنگ یعنی آزادسازی قراباغ نه تنها تأمین نشده است، بلکه آزادی قراباغ دشوارتر نیز شده است (حشمتی، ۱۳۹۸). دخالت روسیه در آخرین مرحله جنگ، مانع از پیروزی کامل باکو شد (Valiyeu, 2021).



3). البته، آذربایجانی‌ها می‌گویند مناقشه قراباغ در حال حاضر و همانند گذشته حل شده است. علی‌اف اظهار داشت که درگیری اکنون حل شده است و برخی از آذربایجانی‌ها اکنون می‌گویند که اختلاف با ارامنه قراباغ یک موضوع داخلی است که ایروان نباید در آن اظهار نظر کند (Waal, 2021).

۵-۲. توازن قوای نوین و چالش‌های فرارو

همان‌طور که اشاره شد، جمهوری آذربایجان در بستر جنگ دوم قراباغ توانست توازن قوای حاکم بر قفقاز جنوبی را به نفع خود تغییر دهد. اما با توجه به اهداف قدرت‌های منطقه‌ای و نقشی که برخی از آنها همچون روسیه در قرارداد آتش‌بس بازی کرده‌اند، احتمالاً چالش‌های نوینی برای باکو ایجاد خواهد شد. مسلماً خواسته جمهوری آذربایجان کاهش نقش روسیه بود و باکو قصد داشت با نزدیک شدن به ترکیه و رژیم اسرائیل، توازنی را که از طریق روسیه به نفع ارمنستان بود تغییر دهد و با شکستی که ارمنستان متحمل شد ظاهراً این هدف محقق شده است. اما چون سیاست‌های روسیه تأخیری است، نمی‌توان خیلی خوش‌بینانه به این قضیه نگاه کرد. تعلل روسیه برای آتش‌بس زود هنگام به نوعی حکایت از سیاست این کشور برای رسیدن به اهداف خود داشت و با راه‌انداختن بازی ژئوپلیتیکی در نهایت نفوذ خود را بیشتر تقویت نمود و به نوعی کنترل خود روی هر دو بازیگر را تشدید نمود. حضور صلح‌بانان روسیه در منطقه نشان دهنده تحکیم بیشتر قدرت روسیه می‌باشد و نه تنها جمهوری آذربایجان، بلکه ارمنستان نیز باید ملاحظات دفاعی-امنیتی آن را برای خود مورد توجه قرار دهند. اما پیچیدگی توازن قوای نوین در منطقه قفقاز جنوبی فراتر از این است. روسیه و ترکیه به‌عنوان دو قدرت اصلی رقیب در این توازن، منطقه قفقاز جنوبی را به صحنه گروکشی‌های ژئوپلیتیکی اهداف خود حتی در فراتر از قفقاز جنوبی تبدیل نموده‌اند.

منافع روسیه در حفظ قراباغ به صورت تقسیم شده، بخش‌بندی شده یا جدا شده است که از ادغام مجدد سرزمین‌های ارمنی‌نشین در جمهوری آذربایجان جلوگیری می‌کند. ابزارهای کرملین شامل مدیریت بی‌حد و حصر مسائل امنیتی است. علاوه بر این، روسیه با استقرار نظامی می‌خواهد نماینده ارامنه قراباغ نیز بشود. روس‌ها با این حال ارمنستان را در به رسمیت شناختن مرزهای جمهوری آذربایجان تحت فشار قرار می‌دهند و در بازسازی کمک خواهند کرد. با این حال، قراباغ در حال حاضر یک کارت تجاری و سیاسی مسکو با باکو است. بخش‌هایی از شمال قراباغ را می‌توان بخش بخش در دهه آینده در ازای ترجیحات یا امتیازات در سایر مناطق، به



احتمال زیاد امتیازات اقتصادی و انرژی واگذار کرد؛ اما ممکن است استقرار روس‌ها در قراباغ دائمی گردد (2-1: Valiyev, 2021).

برخی از نویسندگان به سوءاستفاده اردوغان از بحران قراباغ جهت تعقیب سیاست‌های تورانی خود اشاره نموده‌اند. لویسک (Lévesque, 2020: 3) به ارتباط آن برای ممانعت از سیاست‌های روسیه در شبه جزیره کریمه و حمایت از اقلیت ۱۲ درصدی تاتار آن شبه جزیره می‌پردازد. همه شواهد از جمله امضای بیانیه شوشا توسط باکو و آنکارا نشان می‌دهد که قفقاز جنوبی قرار است به رقابت ژئواستراتژیک بین مسکو و آنکارا تبدیل شود (4: Tertrais, 2021). توافق سه جانبه نوامبر ۲۰۲۰، ساختار ژئوپلیتیک منطقه را به‌طور اساسی تغییر می‌دهد و مسکو نقش اصلی را که آخرین بار در دوران اتحاد جماهیر شوروی سه دهه پیش بر عهده داشت، به دست می‌آورد (Waal, 2021).

از نظر نویسندگان این سطور، مداخله ترکیه در بحران قفقاز را بخشی از سیاست‌های نوعثمانی اردوغان و در ادامه اقدامات ترکیه در سوریه، عراق، لیبی و جاهای دیگر تفسیر می‌کنند. اساساً پروژه جنگ دوم قراباغ یک پوشش برای ایجاد دالان موهوم تورانی از ترکیه به سین کیانگ چین و ایجاد یک کانون جدید ناامنی علیه ایران، روسیه و چین می‌باشد که اهداف تغییرات ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال در ورای آن وجود دارد.

ترکیه در لوای حمایت از جمهوری آذربایجان هم نیروهای خود و هم جنگجویان تکفیری را وارد این کشور نموده است. طبیعی است که در صورت بروز چالش در روابط دو کشور، این نیروها می‌توانند علیه جمهوری آذربایجان دست به اقدام بزنند. این امر به‌خصوص در ارتباط با گروه‌های تکفیری- سوری برای کشور شیعه مذهب جمهوری آذربایجان، با وجود حکومت سکولار آن، تامل برانگیز خواهد بود. وجود این گونه گروه‌ها نه تنها باعث تحریک گروه‌های شیعه‌گرا در داخل جمهوری آذربایجان مثل می‌شود و ثبات درونی آن را مختل می‌سازد، بلکه می‌تواند اقدامات کنترلی از طرف جمهوری اسلامی ایران و تا حدودی روسیه را به‌دنبال داشته باشد.

همچنین گسترش روابط با رژیم صهیونیستی و وابسته شدن جمهوری آذربایجان به آن می‌تواند سوءاستفاده‌های سیاسی رژیم صهیونیستی از فضای جغرافیای این کشور علیه رقبای منطقه‌ای و دشمنان خود به‌خصوص ایران را به‌دنبال داشته باشد. در صورت تهدیدات رژیم صهیونیستی از سمت جمهوری آذربایجان علیه ایران و روسیه، سیاست‌های محصورسازی این کشورها در مورد جمهوری آذربایجان تقویت و باعث افزایش روابط آنها با ارمنستان خواهد شد.



۵-۳. قرارداد آتش‌بس صعب‌الوصول

هر چند بعد از جنگ، قرارداد آتش‌بس به امضا رسیده است، اما به نظر می‌رسد تا رسیدن به قرارداد صلح دائمی راه زیادی در پیش است. قرارداد آتش‌بس دارای ابهاماتی می‌باشد که می‌تواند دستاویزی برای بازگشت به نقطه اولیه باشد. با گذشت زمان، طرف بازنده می‌تواند قدرت خود را بازسازی کرده و برای انتقام بسیج شود. با این وجود، طرف برنده، در گذشته ارمنستان و در حال حاضر جمهوری آذربایجان، بیش از حد مطمئن بوده‌اند که می‌توانند برتری را که از طریق ابزار نظامی به دست آورده‌اند، به‌طور نامحدود حفظ کنند. در سال ۲۰۲۰، ارمنستان هزینه بالایی این اعتماد بیش از حد خود را پرداخت. به‌نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان پس از ۲۰۲۱ قرار است همان بازی را انجام دهد (Gamaghelyan & Rumyantsev, 2021: 10). این موضوع با توجه به اعتراضات گسترده علیه دولت پاشینیان در ارمنستان به‌دلیل امضای قرارداد آتش‌بس دور از ذهن نیست و در صورت به قدرت رسیدن، مخالفان این آتش‌بس می‌توانند اقدامات نظامی تلافی‌جویانه‌ای را سازماندهی کنند.

همچنین، موضع این توافقنامه آتش‌بس در مورد وضعیت پرسنل مسلح ارمنی در قراباغ نامشخص است. بر اساس ماده ۱، طرفین درگیری باید «در موضع فعلی خود متوقف شوند». در ماده ۴ این توافقنامه آمده است: «نیروهای صلح‌بان فدراسیون روسیه باید همزمان با خروج نیروهای ارمنی مستقر شوند». دو طرف این مواد را متفاوت تفسیر می‌کنند. ارمنه می‌گویند، ماده ۱ به آنها اجازه می‌دهد نیروهای خود را در قراباغ نگه دارند و با عقب‌نشینی نیروهای مسلح از هفت منطقه جمهوری آذربایجان در اطراف قراباغ، به ماده ۴ عمل کرده‌اند. طرف آذربایجانی می‌گوید، نیروهای ارمنی باید به محض استقرار روس‌ها در زمین از خود قراباغ عقب‌نشینی می‌کردند. این موضوع بسیار حساس است (Waal, 2021).

مسئله دیگر، به حضور نیروهای صلح‌بان روسیه در قراباغ و سرنوشت سرزمین‌های تحت کنترل آنها بر می‌گردد. برخی تحلیل‌گران از برنامه مسکو برای عدم‌الحاق این سرزمین به جمهوری آذربایجان به‌شيوه کریمه‌سازی یا اعطای استقلال ابراز نگرانی کرده‌اند (Valiyev, 2021: 5). روسیه در موقعیت قدرتمندی قرار دارد و حضور امنیتی آن در حال حاضر بسیار بیشتر از ۲۰۰۰ سرباز پیش‌بینی شده در توافق‌نامه نوامبر ۲۰۲۰ است. تمام شواهد نشان می‌دهد که روسیه در آنجا خواهد ماند: از تمدید تعهد امنیتی خود پس از سال ۲۰۲۵ گرفته تا توزیع گذرنامه‌های روسی در مناطق تحت کنترل خود (Tertrais, 2021: 4). روسیه چندین گزینه



برای مناطق تحت کنترل صلح‌بانان خود دارد. این کشور می‌تواند استقلال آنها را به‌مانند اوستیای جنوبی و آبخازیا به رسمیت بشناسد (Valiyev, 2021: 5) یا اینکه ممکن است قراباغ در آینده موقعیتی نظیر استان کالنینگراد روسیه پیدا کند.

۵-۴. تقویت همبستگی ملی

یکی از پیامدهای مثبتی که بحران قراباغ برای جمهوری آذربایجان به‌همراه داشت، تقویت همبستگی ملی بود. اصولاً کشورهایی که دارای جمعیت یکدست هستند، در مواقع بحرانی از همگرایی بیشتر برخوردار می‌شوند و این با توجه به ترکیب جمعیت جمهوری آذربایجان به‌خوبی خود را نشان داد. درگیری تاووس^۱ موجب افزایش ملی‌گرایی و میهن‌پرستی در جمهوری آذربایجان شد که این وضعیت منجر به تظاهرات خیابانی و فشار بی‌سابقه‌ای بر دولت برای ادامه اقدامات نظامی برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی در قراباغ شد (Ergun & Aliyev, 2020: 3-4). از سرگیری درگیری‌ها در ژوئیه ۲۰۲۰ باعث تجمع‌های خودجوش هزاران نفری در حمایت از ارتش شد. نماد شخصی بسیج اعتراضی، ژنرال پولاد هاشیم اف^۲ بود که قبلاً برای عموم مردم ناشناخته بود، اما قتل وی در جریان درگیری‌های ژوئیه ۲۰۲۰ همراه با شهرت وی به‌عنوان فردی با صداقت و نجابت منجر به قهرمان‌سازی عمومی سریع از وی (Alieva, 2021: 4) و واکنش شدید مردم در خیابان‌های باکو برای انتقام شد (Castro Torres, 2020: 16).

۵-۵. پیگیری توهامات ژئوپلیتیکی توسط باکو- آنکارا

جنگ دوم باعث شد که شرایط ژئوپلیتیکی دو کشور درگیر دچار تغییرات اساسی شود. هر چند این تغییرات مطلق نیستند، اما شرایط ژئوپلیتیکی منطقه به‌ضرر ارمنستان و به‌نفع جمهوری آذربایجان شد. اظهار نظر مقامات عالی‌رتبه جمهوری آذربایجان و ترکیه با محوریت ادعای ارضی بر استان سیونیک ارمنستان نشان می‌دهد که آنها برای ایجاد تغییرات عمیق ژئوپلیتیکی در منطقه، دنبال دالان جعلی تورانی (زنگزور) هستند.

اگر این دالان طبق ادعای جمهوری آذربایجان عملیاتی شود، ایروان دچار یک انزوای ژئوپلیتیکی در پیرامون خود خواهد شد. زیرا هم دسترسی آن به ایران دچار اختلال می‌شود و هم

^۱. Tovuz

^۲. General Polad Hashimov



با توجه به مسئله نسل‌کشی ارمنه توسط ترکیه و خصومت تاریخی ترک‌های آناتولی با ارمنه، روابط با آنها در ابهام قرار می‌گیرد. در نتیجه، تنها راه ارتباطی ارمنستان به گرجستان ختم می‌شود که تحت تأثیر ترکیه قرار دارد. در مقابل، این دالان جعلی با ایجاد گشایش ژئوپلیتیکی برای جمهوری آذربایجان نه تنها دریچه نوینی برای ورود آن به ترکیه و اروپا است، بلکه باعث می‌شود از استقلال عمل بیشتری نه تنها در مقابل ارمنستان، بلکه در مقابل همسایگان برخوردار شود (Hedlund, 2021: 8).

تحقق احتمالی دالان جعلی زنگزور، ضربه‌ای مضاعف به ایران است. تهران نه تنها با خطرات از دست دادن بسیاری از مزایای عبور ترانزیتی در ارتباط با ارمنستان، گرجستان و روسیه مواجه می‌شود، بلکه نقش آن در دالان شمال- جنوب تضعیف می‌شود و جریان سودآور کالاها از ترکیه به آسیای میانه را نیز از دست می‌دهد. آتا سرداروف، سفیر ترکمنستان در ترکیه تأکید کرد که مسیر ترانس کاسپین می‌تواند تمام تجارت ترکیه به آسیای مرکزی را بدون عبور از ایران انجام دهد (Hedlund, 2021: 6). موضع‌گیری ایران که با برگزاری رزمایش «فاتحان خیبر» در نواحی مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۱ و همچنین اعلام مخالفت صریح مقامات تهران با هرگونه تغییرات ژئوپلیتیکی در این منطقه همراه بود، گویای درک ایران از تهدیدات دالان جعلی زنگزور می‌باشد که مهمترین بُعد آن محصورسازی دسترسی ایران به اروپا و وابسته شدن این مسیر ارتباطی به جمهوری آذربایجان و ترکیه است.

۵-۶. تشدید توطئه پان‌ترکیسم و پان‌تورانیسم

یکی از اهداف ژئواستراتژیک جنگ دوم قراباغ، تحقق رویاهای پان‌ترکیسم با سابقه‌ای صدساله بود. «فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، بار دیگر امید نظریه‌پردازان ترک در رابطه با پیشبرد پروژه برپایی یک امپراتوری ترک زبان در مناطق جنوبی روسیه را زنده کرد» (حمیدی، ۱۳۸۸: ۱).

شعر «آراز یا ارس» که اردوغان در رژه پیروزی در باکو در ۲۹ آذر ۱۳۹۹ (۱۱ دسامبر ۲۰۲۰) قرائت نمود، اهداف طمع‌ورزانه پان‌ترک‌ها را هویدا ساخت. قرائت این شعر در این روز، پرده‌برداری از فاز بعدی پروژه جنگ دوم قراباغ یعنی ایجاد تحولات قومی در منطقه بود. پان‌ترک‌ها با جعل تاریخ و خلق مفاهیمی جعلی همچون آذربایجان «شمالی» و «جنوبی» و لزوم تأکید بر اتحاد آنها، تمامیت ارضی و امنیت ملی ایران را نشان گرفته‌اند. این در حالی است که «تا پیش از سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم، مسئله‌ای به نام «مسئله



آذربایجان» وجود نداشت. این پدیده هنگامی صورت خارجی یافت که در تابستان ۱۹۱۸ (۱۲۹۷ ش) در سرزمینی ایرانی که هیچ‌گاه به نام جمهوری آذربایجان شهرت نداشت، حکومتی موسوم به «جمهوری آذربایجان» اعلان موجودیت کرد. طولی نکشید با «آذربایجان» نامیده شدن مناطق شمالی ارس، آذربایجان واقعی (شمال غرب ایران) نیز «نیمه جدا شده» جمهوری آذربایجان، و به تدریج (باصطلاح) «آذربایجان چن‌وبی» نام گرفت. حال آن که بر اساس داده‌ها و مستندات تاریخی و جغرافیایی ولایت باکو و گنجه و شیروان و تالش و ... که در شمال به داغستان و گرجستان، در شرق به دریای مازندران و از غرب نیز به ارمنستان محدود بوده و در جنوب نیز رود ارس آن را از آذربایجان جدا می‌کند و هیچ‌گاه آذربایجان نام نداشته است (بیات، ۱۳۷۵: ۳۲). از همان روزهای نخست این ماجرا، و حتی پیش از اعلان رسمی این نام‌گذاری در تابستان ۱۲۹۷ شمسی (۱۹۱۸ م) بسیاری از ایرانیان به روشنی می‌دانستند که «آذربایجان» نامیدن مناطق جدا شده (در نتیجه، قراردادهای ترکمنچای و گلستان) جز طرح و تمهیدی برای اجرای یک تلاش الحاق‌گرایانه آبی، چشم طمع دوختن به آذربایجان راستین انگیزه دیگری ندارد (بیات، ۱۳۸۵: ۱۱).

ایدئولوژی پان‌ترکیسم با سوار شدن بر پروژه جنگ دوم قراباغ و تلاش برای اجرایی نمودن دالان جعلی زنگزور سعی دارد که با استحاله آذربایجان‌گرایی مورد ادعایی باکو و نادیده گرفتن آن، به سمت پان‌تورانیسم حرکت نموده و بحران‌های ژئوپلیتیکی را نه تنها در ایران، بلکه در چین و روسیه نیز فعال نماید. لذا، می‌توان گفت پان‌تورانیسم پروژه‌ای است که با محوریت ترکیه و همراه‌سازی رژیم صهیونیستی و حمایت غرب به‌خصوص انگلستان تعریف شده است و با تعقیب اهداف ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی درصدد است که به یک کد ژئوپلیتیکی برای کنترل و محدودسازی سه کشور ایران، روسیه و چین تبدیل شود.

۶. نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک کشور بازنده در دوره قبلی جنگ با ارمنستان توانست در قالب پروژه‌ای تعریف شده توسط ترکیه و رژیم صهیونیستی در این دور به پیروزی نسبی دست یابد و بخشی از تمامیت سرزمینی خود را احیاء کند. این کشور تلاش کرد جایگاه خود در تأمین امنیت انرژی اروپا را ارتقا دهد و از طریق مطرح کردن دالان موهوم تورانی، به‌عنوان یکی از مهمترین عرضه‌کننده‌های گاز طبیعی مورد توجه کشورهای ترانزیتی و مصرف‌کننده گاز طبیعی قرار گیرد.



چرا که اتحادیه اروپا به جمهوری آذربایجان و حتی ترکمنستان به‌عنوان راهی برای فرار از وابستگی بیش از حد به گاز طبیعی خود به روسیه نگاه می‌کند.

جمهوری آذربایجان همچنین بر اساس قرارداد آتش‌بس و در چارچوب نظریه «ژئوپلیتیک ته‌اجمی» توانست موضوع خطوط مواصلاتی بین نخجوان با سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان را مطرح کند، اما خطوط مواصلاتی که صرفاً انتقال کالا و مسافر را در نظر دارند، نمی‌تواند تمایلات زیاد خواهانه ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان، ترکیه و رژیم صهیونیستی را برقرار سازد، بنابراین، آنها به‌دنبال اجرای دالان جعلی زنگزور هستند. به‌ویژه، در صورت تحقق این دالان جعلی، وابستگی ترانزیتی جمهوری آذربایجان و ترکیه به ایران از بین خواهد رفت و در آن صورت جمهوری آذربایجان در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ایران در قفقاز قدرت عمل بیشتری خواهد داشت. همین مسئله هم در خصوص روسیه نیز قابل بررسی است.

برای تحلیل تأثیرات جنگ دوم قراباغ بر ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر اهداف و بازیگری جمهوری آذربایجان، می‌توان گفت که سه سناریو قابل ترسیم است.

۱- سناریوی محتمل تداوم شرایط گذشته است. یعنی روابط جمهوری آذربایجان و ارمنستان تنش‌آلود و وضعیت «نه جنگ و نه صلح» به‌دلیل مشخص نشدن رژیم حقوقی قراباغ حاکم باشد و تحرکات باکو و آنکارا برای اجرای دالان جعلی زنگزور بی‌نتیجه می‌ماند. ۲- سناریوی مطلوب، مستلزم عادی‌سازی روابط کشورها و کاهش کلیه تنش‌های ژئوپلیتیکی منطقه و برقراری صلح از جانب همه بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و خودداری آنها از پیگیری تغییرات ژئوپلیتیکی مبتنی بر توهّمات تاریخی است. این وضعیت به‌شکل پلتفرم ۶ جانبه در قالب مکانیسم ۳+۳ (سه کشور قفقاز جنوبی؛ یعنی جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، به‌علاوه ۳ همسایه بزرگ؛ یعنی ترکیه، ایران و روسیه) که حدود دو دهه پیش توسط تهران مطرح شده بود، اکنون از طرف ترکیه و روسیه نیز مطرح شده است. اگر این حالت تبدیل به یک اتحادیه منطقه‌ای شود، می‌تواند چشم‌انداز حضور و تأثیر ایران در منطقه قفقاز را افزایش دهد. این سناریو با توجه به وابستگی شدید باکو به آنکارا و تل‌آویو و گسترش و نفوذ رژیم اسرائیل در منطقه و سیاست‌های طمع‌ورزانه و قلدرمانه ترکیه، جمهوری آذربایجان و روسیه و اختلافات تفلیس و مسکو، چندان محتمل نیست. ۳- سناریوی نامطلوب نیز حاوی فشارها و چالش‌های ژئوپلیتیکی فراوانی برای ایران است. بدترین وضعیت این احتمال زمانی است که مکانیسم ۳+۳ تبدیل به ۲+۳ و منهای ایران شکل گیرد که در این صورت نه تنها ایران از منطقه قفقاز طرد می‌شود، بلکه باید با کارشکنی‌ها



و سیاست‌های طمع‌ورزانه جمهوری آذربایجان و ترکیه مقابله نماید و مانع از صدور بحران به درون مرزهای خود و شکل‌گیری بحران قومی شود. تلاش برای اجرایی نمودن دالان جعلی زنگزور حتی از راه زور، فعال‌سازی کمربند پان‌تورانیسم و تقویت «سازمان کشورهای ترک‌سوی» از نشانه‌های شکل‌گیری این سناریو هستند. این وضعیت در صورت تداوم اشتباهات ژئواستراتژیک روسیه و چین و حمایت غرب و به‌خصوص انگلستان و رژیم صهیونیستی می‌تواند منجر به ایجاد یک کانون بین‌المللی ژئوپلیتیکی علیه محور ایران، روسیه و چین گردد.

۷. پیشنهادهای رسانه‌ای

با توجه به موارد مطرح شده در این مقاله، پیشنهادهایی برای دستگاه‌های دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای کشور و در رأس آنها شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما (به‌ویژه کانال آذری، رادیوهای آذری و رادیو استانبولی) در مورد تبیین ابعاد جنگ دوم قراباغ و پیامدهای آن بیان می‌شود:

- اتخاذ پایدار رویکرد «جهاد تبیین» که مورد تأکید مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) هست، در خصوص مسایل جمهوری آذربایجان و قفقاز در رسانه‌های برون‌مرزی یک ضرورت هست.
- اهمیت دارد که رسانه‌های برون‌مرزی جنگ قراباغ را یک پروژه کلان در نظر بگیرند و تبعات ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچرال آن را در بستر این پروژه کلان، تحلیل کنند. در این پروژه، جمهوری آذربایجان به‌عنوان یک بازیگر وابسته، ترکیه به‌عنوان یک بازیگر تجدیدنظرطلب و رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر فرصت‌طلب نقش آفرینی کرده‌اند.
- همانگونه که در مقاله ذکر شد، در جهت‌دهی و اجرای پروژه جنگ دوم قراباغ، نقش رژیم صهیونیستی غیرقابل انکار است. مهمترین نقش رژیم صهیونیستی در جنگ مذکور، اجماع‌سازی میان بازیگران، بر اساس یک طراحی ضدایرانی بود. لذا، اهمیت دارد که رسانه‌های برون‌مرزی به بهانه‌های مختلف خبری و غیرخبری بر این موضوع تأکید کنند و به طرق مقتضی از افکار و احساسات منفی مردم جمهوری آذربایجان علیه رژیم اسرائیل در این خصوص استفاده کنند.
- با حضور کارشناسان مختلف این موضوع تبیین شود که رژیم اسرائیل، در قالب موازنه تهدید به جمهوری آذربایجان به‌عنوان پایگاه منطقه‌ای صهیونیسم نگاه می‌کند. یعنی به فراتر از ائتلاف راهبردی به جمهوری آذربایجان می‌اندیشد.



- در برنامه‌های میزگردی، ابعاد مختلف این موضوع بررسی و تبیین شود که وابستگی جمهوری آذربایجان به نیروهای فرامنطقه‌ای نفعی برای جمهوری آذربایجان ندارد. چنانچه در آزادسازی اراضی اشغالی عملاً بخش‌هایی که آزاد شده به نوعی در اختیار و اجاره ترک‌ها، صهیونیست‌ها و تکفیری‌ها قرار گرفته است.
- در جنگ دوم قراباغ حضور و نقش‌آفرینی ترکیه بسیار ملموس بود. در برنامه‌های سیاسی به این موضوع تأکید شود که ترکیه به دلیل اختلافات تاریخی با ارمنستان بر سر مسئله نسل‌کشی ارمنه که ارتباطی به باکو ندارد، به دنبال بهره‌برداری از تنش‌های موجود به نفع خود است و این به نفع همسایگی ارمنستان و جمهوری آذربایجان نیست.
- با توجه به تعمیق همکاری‌های نظامی باکو و تل‌آویو، به کرات بر این موضوع تأکید شود که جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام کرده است که از هر نقطه‌ای که به ایران حمله شود، آن نقطه هدف محسوب خواهد شد.
- در یک برنامه با قالب مستند گزارشی، پیامدهای دالان تورانی علیه روسیه و چین بر اساس محورهایی که در این مقاله به آنها پرداخت شد، بیان شوند. دالان توران از منظر مباحث انرژی، قوم‌گرایی، استقرار ناتو، اخلال در طرح‌های ترانزیتی منطقه‌ای، تبعاتی علیه روسیه و چین دارد.
- در برنامه‌ای مستقل، عملکرد گروه مینسک برای حل مناقشه بین ارمنستان و جمهوری آذربایجان از زبان کارشناسان خبره با رویکرد انتقادی بیان شود.
- ایران در قفقاز دو میراث بزرگ تاریخی دارد: ۱- میراث دینی و ۲- میراث تمدنی. استفاده توأمان از این دو میراث در رسانه‌های برون‌مرزی اهمیت دارد و می‌تواند جایگاه ایران در این منطقه حساس را ترمیم کند.
- در جمهوری آذربایجان فشار علیه شیعیان بعد از جنگ ۴۴ روزه تشدید شده است. در مقابل، فعالیت گروه‌های وهابی، بهائی، مسیونری و فرقه‌های ضاله در این کشور آزاد است. شیعیان به‌عنوان اکثریت جمعیت کشور، از حقوق قانونی از جمله حقوق مذهبی برخوردار نیستند، اهمیت دارد این موضوع از زبان کارشناسان مطرح شود.
- یکی از اهداف دالان تورانی، ایجاد تحت‌الحمایگی جمهوری آذربایجان به ترکیه و تشیع‌زدایی در این کشور است تا حضور ایران در قفقاز کم‌رنگ و میراث فرهنگی، تاریخی و



مذهبی که از سوی ایران در قفقاز وجود دارد به تدریج زوده شوند. اهمیت دارد این موضوع از زبان کارشناسان مطرح شود.

- از به کار بردن توافقنامه صلح برای توافقنامه آتش بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ میان رؤسای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه خودداری شود.

- تبعات رویکردهای قوم‌گرایانه جمهوری آذربایجان بر اقلیت‌های این کشور به‌ویژه تالشان و لزگی‌ها از زبان کارشناسان تبیین شود.

- رسانه‌ها باید از از کاربرد واژه جعلی، موهوم و ساختگی دالان زنگزور که مورد استفاده مقامات جمهوری آذربایجان و ترکیه است، خودداری کنند.





منابع

- بیات، کاوه (۱۳۷۵)، «مسئله آذربایجان»، مجله **گفتگو**، شماره ۱۲.
- بیات، کاوه (۱۳۸۵)، «روزنامه: ایران شمالی، آیا جواب «های»، «هوی» است»، مجله **گفتگو**، شماره ۴۷.
- ترابی‌ا قدم، محمود و اخگری، محمد (۱۳۹۷)، «نقش رادیو برون مرزی آذری در تبیین تاریخ مشترک ایران و جمهوری آذربایجان»، **مطالعات تاریخ فرهنگی**، سال نهم، شماره ۳۵، صص ۲۷-۵۰.
- جعفری‌فر، احسان و احرامی، سجاد (۱۳۹۷)، «سیاست خارجی آمریکا و روسیه در بحران قره‌باغ»، **فصلنامه مطالعات سیاسی بین‌المللی**، سال سوم، شماره ۷، صص ۴۴-۴۹.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۶)، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حشمتی، (۱۳۹۸)، «افشای جزئیات روابط آذربایجان و اسرائیل علیه ایران / نقش آذربایجان در ترور شهید علی محمدی»، پایگاه خبری مشرق، قابل دسترسی در:
<https://www.mashreghnews.ir/news/1020154>
- حمیدی، احمد (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان‌ترکیسم و آسیای مرکزی»، **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال دوم، شماره ۵، صص ۱-۲۲.
- رسولی، مجید و شریعتی، شهرزاد (۱۳۹۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی تهدید تروریسم بوکوحرام در غرب آفریقا»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال شانزدهم، شماره سوم، صص ۲۲۸-۲۰۳.
- رشیدی، احمد و ملکی، ماری (۱۳۹۸)، «منافع روسیه و بحران‌های منطقه قفقاز جنوبی»، **سیاست و روابط بین‌الملل**، دوره ۳، شماره ۵، صص ۴۷-۶۸.
- کاظمی، احمد (۱۳۹۹)، «تاثیر جنگ دوم قراباغ بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک ایران در حوزه انتقال انرژی / انگلیس چه نفعی از جنگ قراباغ می‌برد»، پایگاه خبری تحلیلی مشرق، قابل دسترسی در:
<https://www.mashreghnews.ir/news/1144571/>
- کاظمی، احمد (۱۴۰۰/۰۷/۲۱)، «تحلیل مسایل قفقاز با تمرکز بر جمهوری آذربایجان»، قابل دسترسی در:
<http://news.parstoday.com/newsfeed/15811877/view>
- Abushov, Kavus (2019), "Russian Foreign Policy Towards The Nagorno- Karabakh Conflict: Prudent Geopolitics, Incapacity Or Identity?", **East European Politics**, Pp. 1-22.
- Alieva, Leila (2021), "Securitization/De-Securitization And Attitudes In Azerbaijan In Reaction To The Karabagh Conflict", **Caucasus Analytical Digest** No. 121.
- Austvik, Ole Gunnar (2018), "Concepts Of Geopolitics And Energy Security", In: **IAEE Energy Forum**, Pp. 25-28.
- Baghirov, Orkhan (2017), "The Economic Impact Of The Nagorno-Karabakh Conflict And Ensuing Developments", **The Journal Of Diplomacy And International Relations**



- Benedikter, Roland (2021), "Nagorno-Karabakh: The Endless Conflict In The Black Garden", E-International Relations, Jul 14, ISSN 2053-8626, <https://www.E-Ir.Info/2021/07/14/>
- Castro Torres, José Ignacio (2020), "Nagorno Karabakh: A Gordian Knot In The Middle Of Caucasus", IEEE Analysis Paper, No. 34/2020.
- Center Of Analysis Of International Relation (2021), "The Military And Economic Consequences Of The Second Karabakh War For Armenian", Available At: <https://Aircenter.Az/Uploads/Files/Military%20and%20economic%20consequences.Pdf>
- Cohen, Saul Bernard (2014), *Geopolitics: The Geography Of International Relations*, Rowman & Littlefield Publishers.
- Dadparvar, Shabnam; Azizi, Saeed (2020), "Exploring Turkey's Strategic Goals In Caucasus Region During The 2020 Nagorno- Karabakh Crisis", **International Relations And Diplomacy**, Vol. 8, No. 11, Pp. 475- 482
- Dalby, Simon; Routledge, Paul & O'Tuathai, Gearoid (2006), *The Geopolitics Reader*, Routledge.
- Dodds, Klaus (2002), *Geopolitics In A Changing World*, Pearson Educational Limited.
- Dorsey, James M. (2020), "The Caspian Sea Battleground: Is The Second Karabakh War A Cause Or Consequence?", *Responsible Statecraft*, Available At: <https://Responsiblestatecraft.Org/2020/12/20/>
- Ergun, Ayca & Aliyev, Ana (2020), "An Account On Karabakh War: Why Now And Then What?", *Panorama*, E-Publication, Available At, <https://www.Uikpanorama.Com/Blog/2020/11/09/An-Account-On-Karabakh-War-Why-Now-And-Then-What/>
- Flint, Colin & Taylor, Peter. J. (2018), **Political Geography, World-Economy, Nation-State And Locality**, Routledge.
- Gamaghelyan, Philip & Rumentsev, Sergey (2021), "The Road To The Second Karabakh War: The Role Of Ethno-Centric Narratives In **The Nagorno-Karabakh Conflict**", *Caucasus Survey*.
- Harutyunyan, Karen (2021), "Armenia Should Keep The Status Quo Vis-À-Vis Enclaves With Azerbaijan", *Civilnet*, Available At: <https://www.Civilnet.Am/News/624526/Armenia-Should-Not-Exchange-Enclaves-With-Azerbaijan/?Lang=En>
- Hedenskog, Jakob; Lund, Aron & Norberg, Johan (2020), "The End of the Second Karabakh War: New Realities In The South Caucasus", FOI, Foi Memo: 7405, Project No: A112001.
- Hedlund, Stefan (2021), "Turkey's Push For Greater Influence In Central Asia", *Geopolitical Intelligence Services*.
- Isayev, Heydar (2021), "Fate Of Ex-Soviet Exclaves Uncertain In The Wake Of Armenia-Azerbaijan War", *Eurasianet*, Available At: <https://Eurasianet.Org/Fate-Of-Ex-Soviet-Exclaves-Uncertain-In-The-Wake-Of-Armenia-Azerbaijan-War>



- Jan, Amir; Faiz, Jalal; Munir, Gulshan And Rad, Abdul (2021), "The Geopolitical Implications Of The Nagorno- Karabakh Conflict", **Journal Of Critical Reviews**, Vol 8, Issue 02, Pp. 1378- 1382.
- Krnjevic, Damjan (2021), "Geopolitics And The Second Karabakh War", **Caucasus Strategic Perspectives**, Volume 1, Issue 2, Pp. 35- 56.
- Lévesque, Jacques (2020), "The Origins And Ulterior Consequences Of The Nagorno-Karabakh War: Barometer Of Russia's Relations With Turkey", **Network For Strategic Analysis (NSA)**, 16 December, Accessible At: <https://Ras-Nsa.Ca/Publication/>
- Mccoll, R. W. (2005), **Encyclopedia Of World Geography**, Published By Facts On File.
- Modebadze, Valeri (2021), "The Escalation of Conflict Between Armenians And Azerbaijanis And The Problems Of Peaceful Resolution Of The Nagorno-Karabakh War", **Journal Of Liberty And International Affairs**, 6(3), 102-110.
- Petrosyan, Syuzanna (2021), "Soviet-Era Enclaves At The Heart Of Armenian-Azerbaijani Border Crisis", Civilnet, Available At: <https://www.Civilnet.Am/News/608235/Soviet-Era-Enclaves-At-The-Heart-Of-Armenian-Azerbaijani-Border-Crisis/?Lang=En>
- Radnitz, Scott (2019), "Reinterpreting the Enemy: Geopolitical Beliefs and The Attribution Of Blame In The Nagorno-Karabakh Conflict", **Political Geography**, Volume 70, Pp. 64- 73.
- Shafiyev, Farid (2021), "Azerbaijan And Israel: Friendship Of Values", Israel Hayom, Available At: <https://www.Israelhayom.Com/Opinions/Azerbaijan-And-Israel-Friendship-Of-Values/>
- Shahbazov, Fuad (2021), "The Second Karabakh War And Caspian Energy", The Central Asia- Caucasus Analyst, Available At: <http://Cacianalyst.Org/Publications/Analytical-Articles/Item/13668-The-Second-Karabakh-War-And-Caspian-Energy.Html>
- Stawarz, Pawel (2020), "The Impact Of The Second Karabakh War On Azerbaijan's Position In The South Caucasus - Opportunities And Threats", Studia Wschodnioeropejkise
- Stronski, Paul (2021), "The Shifting Geography of the South Caucasus", **carnegie: Endowment For International Peace**,
- Tertrais, Bruno (2021), "Armenia-Azerbaijan: The Fire Beneath The Ashes", Institut Montalgne, Available At: <https://Www.Institutmontaigne.Org/En/Blog/Armenia-Azerbaijan-Fire-Beneath-Ashes>
- Vakulchuk, Roman; Overland, Indra And Scholen, Daniel (2020), "Renewable Energy And Geopolitics: A Review", **Renewable And Sustainable Energy Review**, Volume 122, Pp. 1-12.
- Valiyev, Anar (2021), "Karabakh After The 44-Day War: Russian Peacekeepers And Patterns", **ponars Eurasia Policy Memo**, No. 705, August 2021

Vatankhah, Zeynab & Navazeni, Bahram (2021), "Turkey's Approach to the Nagorno-Karabakh Crisis (2003-2020)", **The Quarterly Journal Of Political Studies Of Islamic World**, Vol.9, Pp, 19-39.

Waal, Thomas De (2021), "Unfinished Business In The Armenia- Azerbaijan Conflict", Carnegie For International Peace, Available At:
<https://CarnegieEurope.Eu/2021/02/11/Unfinished-Business-In-Armenia-Azerbaijan-Conflict-Pub-83844>

